

[ محمد صادق جنان صفت ]

آزادي، عدالت، توسعه و اشتغال کالاهاي هستند که همه احزاب مي خواهند آنها را از جيب اموال عمومي به مردم هديه کنند

سرشت و سرنوشت جامعه ايراني به لحاظ تاريخي، بيش از هر متغير ديگري از قدرت و نفوذ «دولت‌هاي مالک» تاثير گرفته است. «دولت مالک» در ايران، سرچشمه‌هاي توليد ثروت و درآمد را در چنگ داشته است. روزگاري اين سرچشمه، آب و زمين بود. در دوران معاصر اما نفت و تجارت جاي آب و زمين را گرفته‌اند. وقتي نهاد و سازماني تحت عنوان دولت سرچشمه ثروت را در اختيار دارد، حتما مي‌تواند همه انواع ديگر قدرت را نيز تملک کند. وقتي قدرتي نيست که بر سر آن مجادله صورت پذيرد، تاسيس حزب سياسي و نهادهاي صنفي نيز فاقد معنا خواهد بود. چه چيز بايد به دست آيد و چه نيرويي بايد توزيع شود که انگيزه‌اي براي تاسيس حزب در آن نهفته است؟ در غرب سرچشمه‌هاي توليد ثروت و درآمد ميان گروه‌هاي اجتماعي و شهروندان توزيع شده و حفظ و گسترش آن انگيزه‌اي براي تاسيس نهادهاي صنفي بود و همين نهادهاي صنفي پايه‌هاي تشکيل احزاب شدند. ظهور احزاب در ايران به اين ترتيب، تابعي از قاعده ياد شده در غرب نبود. احزاب سياسي که در سده گذشته به ويژه پس از پيروي مشروطه‌خواهان در ايران متولد شدند فرايند تکامل طبيعي را سپري نکردند. به اين معنا که احزاب ايراني حاصل مبارزات صنفي- سياسي تاريخي خاص خود نبوده‌اند، بلکه در پي وقوع تحولات اجتماعي سريع، انقلاب‌هاي کودتاها و تغيير دولت‌ها پا به عرصه حيات گذاشته‌اند.

نگاهي به احزاب مشهور ايراني که در شرايط حاضر در فضا سياسي ايران کم و بيش موثرند مويد آن چيزي است که در سطور بالا نگاشته شد. حزب مشارکت، حزب کارگزاران و رايحه خوش خدمت در پي دولت‌هاي تازه، تاسيس شدند. سازمان مجاهدين انقلاب و مجمع روحانيون از ديگر احزاب سياسي نيز زمينه تولدشان پس از پيروي انقلاب اسلامي بوده است. حزب موفتله - با کمي تساهل با توجه به تاريخ فعاليت آن- جمعيت ايتارگران انقلاب اسلامي، جامعه اسلامي مهندسين ايران، روحانيت مبارز تهران در جناح سياسي اصولگرا نيز کم و بيش از دستاورد انقلاب اسلامي بوده و هستند. دنيايي که احزاب ايراني در آن متولد شدند و ويژگي جامعه ايراني که در آن دولت مالک، حرف اول را مي‌زند، بر سازمان تشکيلات و رفتار احزاب نقش غيرقابل انکاري داشته است که در ادامه به برخي از آنها اشاره مي‌شود.

فروشنده کالاي عمومي

کاليد شکافي شعارها و تصميم‌هاي احزاب ايراني به ويژه در سال‌هاي پس از جنگ که شرايط براي فعاليت آنها مناسب شد، نشان مي‌دهد آنها در فقدان قدرت قابل توزيع به صورت مشخص، ناگزير عرضه کننده کالاهاي عمومي شده‌اند. آزادي، عدالت، توسعه، اشتغال، عزت، آباداني و ... کالاهاي عمومي هستند که احزاب ايراني در هر دوره مبارزه انتخاباتي به شکل‌هاي گوناگون بسته‌بندي کرده و به مشتريان خويش عرضه مي‌کنند. اين نوع کالاها قابل عرضه به همه گروه‌هاي اجتماعي است. دهقاني که در روستاهاي دور افتاده سيستان و بلوچستان با کم‌آبي و زمين کوچک دست و پنجه نرم مي‌کند تا پزشکي که در خيابان جردن مطب بزرگي دارد، دانشجويي که ليريز از احساس عدالت‌خواهي است تا هنرمندي که مي‌خواهد فضاي کاري وسيع‌تري به دست آورد، همه بايد همين نوع کالاهاي عمومي را که عرضه مي‌شود به عنوان انگيزه راي دادن بپذيرند.

احزاب ايراني دامنه مشتريان خود را همه شهروندان داراي حق راي قرار مي‌دهند. احزاب ايراني فعال در ايران امروز هرگز از اين همه مشتري چشم نمي‌پوشند و راهي براي نفوذ در بازارهاي ديگر نيز نمي‌يابند. احزاب ايراني به اين دليل که فروش کالاي عمومي با مشتريان سراسري کار آساني است تاکنون از انتساب خود به گروه‌هاي اجتماعي اجتناب کرده‌اند. احزاب ايراني موجود فراطبقه‌اي و سراسري‌اند و تا امروز ديده نشده است از طبقه کارگر يا کشاورزان يا معلمان و پيشه‌وران به صورت خاص حمايت کنند. احزاب ايراني در چنين شرايطي است که هرگز حاضر نشده‌اند با صراحت بگويند طرفدار بورژوازي‌اند و مي‌خواهند از منافع آنها حمايت کنند.

فروش کالاي عمومي به انبوه مشتريان از ويژگي احزاب ايراني است و به نظر مي‌رسد تا روزي که شرايط بازار تفاوت نکند روزگار را به همين شکل مي‌گذرانند.

مالیات هواداري نمي‌دهند

احزاب سياسي ايراني به اين دليل كه چيزي براي بخشيدن يا دادن به شهروندان ندارند، ناگزيرند براي كسب آراي آنها، كالاي عمومي بفروشند. وقتي همه احزاب يك بسته كالاي عمومي عرضه مي‌كنند و مشتريان نيز مي‌دانند كه حتي در تهيه و توليد آن هم چندان كامياب نيستند، براي خريد اين نوع کالاها، قيمت مناسبی نمي‌پردازند. در اين وضعيت كه چند فروشنده با مشتريان كم‌درآمد مواجه‌اند، درآمدشان به بازاری سست متصل می‌شود و درآمدشان اتفاقی خواهد شد. احزاب مدرن به این دلیل كه نماینده گروه‌های اجتماعی‌اند و در صورت كسب قدرت منافع این گروه‌ها را در دستور كار قرار مي‌دهند از آنها مالیات هواداري مي‌گیرند. به این ترتیب مالیات هواداران يك درآمد دائمي و قابل حساب براي احزاب خواهد شد و نوعي دادوستد و توافق قراردادي میان رهبران احزاب و هواداران برقرار مي‌شود. پرداخت مالیات هواداري این مزیت را دارد كه منابع مالي قابل اتكايي براي رهبران احزاب درست مي‌كند و آنها مي‌توانند براي پيشبرد هدف‌های حزب برنامه‌ريزي كنند. از طرف ديگر، تحولات كمي مالیات هواداري يك معيار براي سنجش و اندازه‌گيري رشد محبوبیت احزاب نيز هست.

رشد مثبت و شتابان مالیات هواداري يا کاهش معنادار آن در يك دوره معين به معنای این است كه محبوبیت يك حزب افزایش يا کاهش یافته است. احزاب ايراني به اين دليل كه نمي‌خواهند انگ طرفداري از گروه‌های اجتماعی خاص بر پيشاني آنها حك شود از دریافت مالیات هواداري محروم شده‌اند.

سرمایه‌گذاري ناكافي

وقتي يك حزب عايدي مطمئن، مستمر و قابل اتكايي ندارد. چگونه مي‌تواند سرمایه‌گذاري كند و سطح فعالیت‌هايش را توسعه دهد. مهم‌ترین سرمایه‌گذاري كه يك حزب بايد انجام دهد، سرمایه‌گذاري براي تبلیغات است. انتشار روزنامه، راه‌اندازي ایستگاه راديويي و تلویزیوني، اجاره يك ساختمان با کاربري حزبي براي گردهمایی‌ها و پذيرايي از هواداران از ابزارهای تبلیغات به حساب مي‌آیند. احزاب مدرن عموماً توانايي سرمایه‌گذاري دارند و انتشار روزنامه، جزوهای آموزشی و... برايشان چندان مشكل نيست. احزاب ايراني امروز را در دو جناح اصولگرایان و اصلاح‌طلبان ببینید، کدام يك از آنها چنین سرمایه‌گذاري را انجام داده‌اند. روزنامه‌های پرتیراژ كشور در اختيار و تحت مالکیت نهادهای دولتي و عمومي‌اند و هر حزب و گروهی سعی مي‌كند اخبار و گزارش‌های مربوط به فعالیت خود را در آنها درج كند. راديو و تلویزیون نيز نهادي حكومتي شده و سياست هاي خاص خود را دارد. احزاب ايراني بسته به ميزان دوري يا نزديكي به تصمیم‌گیران اصلي در راديو و تلویزیون از این رسانه استفاده مي‌كنند و به نوعي دستشان در جيب شهرونداني است كه هزینه‌های فعالیت این رسانه را می‌دهند. در يك دهه گذشته كه مرزبندی‌های سياسي میان دو جناح سفت و محكم‌تر شده است احزاب سياسي جناح اصولگرا به لحاظ تجانس فكري با صداوسیما از این رسانه به صورت رایگان استفاده کرده‌اند.

بسیار بالا، بسیار پایین

منابع ناكافي مالي احزاب ايراني كه مانع از كارآمدی و كمیت مناسب تبلیغاتي شده است، پیامدهای گوناگوني دارد. يكي از این پیامدها این است كه مانع كادرسازي در سطح گسترده مي‌شود. وقتي هواداران احزاب در هیچ زیرمجموعه‌ای از احزاب جاي نمی‌گیرند و كادرسازي نيز از طريق تبلیغ و اطلاع‌رسانی در كمترین حد انجام مي‌شود به مرور فاصله میان لیدرهای احزاب و گروه‌های بعد از آن افزایش مي‌یابد. لیدرهای احزاب در بالای بالا قرار مي‌گیرند و هواداران در پایین پایین در این وضعیت تفاوت درك، فهم، اندیشه و خواست‌های رهبران حزب و هواداران هر روز افزایش مي‌یابد و به لحظه ای می‌رسد كه يكدیگر را نيز درك نمي‌کنند و جدایی حتمي مي‌شود. تداوم چنین وضعیتی به ماندگاري بيش از حد رهبران حزبي منجر مي‌شود. سخت شدن دیدگاه‌های حزبي يكي ديگر از پیامدهای این اتفاق است. رهبران احزاب ايراني را در هر دو جناح اصولگرا و محافظه‌كار را با دقت نگاه كنید و این داوري را انجام دهید. فاصله‌های زياد میان رهبران و هواداران و اعضای رده پایین‌تر احزاب، امکان ورود نخبگان را به رهبران حزب کاهش مي‌دهد و اشتیاق و تمایل براي ماندن در حزب نيز به مرور کاهش مي‌یابد. رهبران احزاب ايراني فعال در عرصه سياست ايران عموماً کسانی هستند كه بلافاصله پس از تشكيل حزب به دلایل سياسي در بالاترين نقطه قرار گرفته‌اند و انتخاب آزاد بر پایه توانايي‌ها و بستگی‌ها جايي در میان احزاب ايراني ندارد. رسوب اندیشه‌های رهبران سنتي احزاب سدي براي رویش افكار و برنامه‌های تازه مي‌شوند و امکان بالندگی از احزاب گرفته مي‌شود.

آینده احزاب

واقعیت این است كه دولت مالك در ايران همچنان پابرجاست و حتي مي‌توان گفت در 3 سال اخير به دلایل گوناگون سهم دولت

از مالکیت سرچشمه‌های ثروت و درآمد افزون‌تر شده است و این احتمال وجود دارد که روند فزاینده‌ای را در آینده طی کند یا دست کم در حد فعلی باقی بماند. به این ترتیب می‌توان تصور کرد همه انواع قدرت در اختیار حکومت و نهاد دولت باقی می‌ماند و احزاب فعلی ایرانی باز هم دستشان برای نوید دادن به شهروندان خالی است. تداوم این وضعیت، چرخه معیوب توضیح داده شده در سطرهای بالا برای احزاب ایرانی تکرار خواهد شد. چه باید کرد؟ آیا راهی برای عبور از این چرخه معیوب وجود دارد؟ می‌توان خوش‌بین بود و تأکید کرد که به هر حال روزگار دو زمانه این گونه نمی‌ماند و نیروی ناشناس نظم مناسبات کنونی را به هم می‌ریزد و نباید ناامید شد. اما خوش‌بینی نباید به افراط منجر شده و به خیال‌پافی برسد. تا زمانی که احزاب نیروی اقتصادی برای خود فراهم نکرده و از نیروی به دست آمده برای عبور از چرخه معیوب استفاده نکنند، چشم‌انداز روشنی دیده نمی‌شود.

[http://www.donya-e-egtesad.com/Default\\_view.asp?@=94801](http://www.donya-e-egtesad.com/Default_view.asp?@=94801)